

ازدواج جاودانه

ادواردو آریاس*

جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸:
هواداران تیم کلمبیا از تیم خود
در برابر تیم رومانی حمایت
می‌کنند.



«اوله اوله اوله، هر روز بیشتر دوست دارم»

اما هوادار همیشه در استادیوم حاضر می‌شود و تیم را در فراز و نشیب‌ها همراهی می‌کند و زیرلبی می‌خواند: «اوله اوله اوله، هر روز بیشتر دوست دارم».

احساسات نگران کننده

همان‌گونه که شوهر هزینه‌های منزل را حتی اگر به نظرش جهنمی برسد به عهده می‌گیرد، هوادار هم سرکبسه‌اش را برای تیم شل می‌کند، و زیاد هم شل می‌کند. در گذشته، او فقط بایستی بلیت می‌خرید. امروزه، او باید پیراهن تیم (که طرح و تولیدکننده‌اش هر شش ماه عوض می‌شود و او باید همیشه جدیدترین را داشته باشد)، شال، پرچم و دیسک تازه‌ترین سرودهای هواداران را بخرد. او در عوض چه به دست می‌آورد؟ خیلی چیزها که البته یک هوادار واقعی قدرشان را می‌داند: یک احساس تعلق قبیله‌ای که هیچ همتایی ندارد، نه هنگام یک پیروزی انتخاباتی، نه هنگام یک پیروزی نظامی و نه در یک کنسرت راک با حضور ۱۰۰۰۰۰ نفر. یک لرزیدن از هیجان هر بار که تیم گل می‌زند یا زمانی که دشمنی قسم خورده را شکست می‌دهد. لرزشی که جایش را به احساسی وصف‌ناپذیر می‌دهد که شاید چندین روز یا حتی چند سال طول بکشد. تیم سانتافه در سال ۱۹۹۲ میلوناریوس را ۷ بر ۳ شکست داد. هواداران تیم قرمز امروزه، هنوز هم تا فرصتی به دست می‌آورند این نتیجه تاریخی را به رخ هواداران تیم آبی می‌کشند.

هوادار سانتافه در مورد مرگ و زندگی چنین می‌گوید: حتی فکرش را هم نمی‌توانم بکنم که بمیرم بدون آن که بدانم چه تیمی امسال قهرمان خواهد شد و تیم ما در بازی آینده چند گل به میلوناریوس خواهد زد.

این چندان مهم نیست که شما بهترین تیم را انتخاب کرده باشید یا نه (آلتیکوی بیلانو یا رئال سوسیه داد، بوکاجونیورز یا ریورپلاته، اینتر یا آث میلان، آرسنال یا تاتنهام هاتسپور)، نکته آن است که تیم شما عشق یگانه و راستین زندگی شماست.

* روزنامه‌نگار و هوادار تیم فوتبال دپورتیوو ایندی پندی نیته سانتافه در بوکوتا، کلمبیا.

نگرانی‌ها و رنج‌های یک هوادار فوتبال در کلمبیا

نیک هورنباي، نویسنده بریتانیایی، در کتابی به نام *اوج هیجان* با توصیف رابطه عاشقانه‌اش با تیم فوتبال آرسنال لندن، شرحی دقیق از وضعیت یک «هوادار» فوتبال ارائه می‌کند. این هواداری همچون ازدواج است. اما نه ازدواجی معمولی، از قبیل ازدواج‌های امروزی که از دوره نامزدی هم کمتر دوام می‌آورد. خیر، این ازدواجی شرافتمندانه است که همچون پولاد مستحکم است. چنانکه کشیش‌ها می‌گویند: «ازدواجی که فقط مرگ آن را پایان می‌دهد»، یا چنانکه خواننده دومینیکنی، خوان لویس گرا در ترانه‌ای به نام *Como la abeja al panal* (زنبور عسل و کندویش) می‌گوید، «ازدواجی مقدس».

ازدواجی که بی‌وفایی هم در آن راه ندارد. یک هوادار تیم سانتافه هرگز رابطه‌ای پنهانی با میلوناریوس، دیگر تیم بزرگ بوکوتا، ندارد. اگر وی به ندرت رابطه‌ای نامشروع برقرار کند، این رابطه کوتاه و افلاتونی و با تیمی شهرستانی همچون دیورتیوو کالی، یونیون ماگدالنا یا جونیور بارانکیلا خواهد بود. و این رابطه روزی که این تیم با تیم سانتافه روبه‌رو شود به پایان خود می‌رسد.

هوادار همچون شوهری نمونه مطیع و وفادار است. وی همه اشتباهات تیم‌اش را به گردن می‌گیرد، درست مانند شوهری که می‌پذیرد همسرش دیگر همچون روزهای نخست ازدواج‌شان باریک‌اندام نباشد، که همسرش در خواب خرخر کند یا ۱۸ ساعت در شبانه‌روز سگرمه‌هایش در هم باشد. البته، او وقتی تیم‌اش بد بازی کند گاهی عصبانی هم می‌شود (سانتافه ظرف بیست سال هیچ عنوانی کسب نکرده است) و اگر بازی‌کنانی مرتکب اشتباهی آشکار و ضعف در دفاع از رنگ تیم شوند، اظهارنظری تند از وی سر می‌زند.

**در پی مرگ آیرتون سنا،
قهرمان اتومبیل‌رانی
برزیل در سال ۱۹۹۴،
رئیس‌جمهوری این کشور
سه روز عزای عمومی اعلام
کرد.**